

زمانه پیچیدگی و نسل جدید یادگیرندگان

طبیعی است، هم‌زمان با تحولات گوناگون در ساحت‌های زیستی بشر در دوران جدید، نسل جدید دانش‌آموزان و دانشجویان نیز تغییر کرده‌اند و علاقه‌مندی‌ها و نیازهای جدیدی دارند و اهداف متفاوتی را دنبال کنند. بر همین اساس، بی‌معنا نخواهد بود اگر این نسل از یادگیرندگان را نسل یادگیرندگان ترکیبی و هیبریدی بنامیم.

کاستی‌ها و ظرفیت‌های نقصان‌یافته رایج مدرسه‌های حضوری را می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رویکرد تلفیقی و روش هیبریدی جبران کرد، مشروط بر آنکه در استفاده از آن نه دچار افراط شد و نه مواجهه‌ای از سر ترس و انزجار با فناوری‌های نوین داشت!

مدرسه هیبریدی فقط ترکیب یا تلفیق شیوه حضوری با روش الکترونیکی و مجازی و غیرحضوری نیست، بلکه در شیوه هیبریدی روش‌ها نیز به کمک ترکیب و تلفیق، نوین و مؤثر می‌شوند؛ به نحوی که با سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان تناسب پیدا کنند و هر دانش‌آموزی بتواند متناسب با علاقه‌مندی‌ها و عادت‌های آموزش و یادگیری خود مؤثرتر بیاموزد. در مدرسه هیبریدی، علاوه بر ترکیب فناوری با سنت، در شیوه انجام امور نیز تجدیدنظر می‌شود، کار گروهی در کنار تمایلات کار انفرادی موضوعیت و اصالت پیدا می‌کند و زمینه‌های تقویت باور و علاقه به انجام امور به شکل جمعی فراهم می‌شود.

محتوا که اساس و قلب فرایند یاددهی یادگیری را تنظیم

دنیای جدید دنیای پیچیدگی‌ها، درهم‌تنیدگی‌ها، بین‌رشته‌ای‌ها و میان‌رشته‌ای‌هاست. این دنیای نوین، در ساحت‌های گوناگون زندگی بشر، از ساحت اقتصاد تا فرهنگ و از صنعت تا آموزش، اقتضائات و ویژگی‌های خاص خود را بر ما تحمیل کرده است!

در هر عصری موفقیت متأثر از وابسته به توانمندی خاصی بوده که آن هم برآمده از الزامات و ویژگی‌های همان زمانه بوده است. مثلاً در عصر صنعتی و پیشاصنعتی، موفقیت بیشتر با توانایی‌ها و مهارت‌های جسمی قرین بوده است و در عصر اطلاعات، مهارت‌های محاسباتی و توانایی‌های تحلیل منطقی و خطی و تفکرات همگرا ضامن موفقیت محسوب می‌شد. لیکن در عصر حاضر، استفاده هم‌زمان از توانایی‌های نیمکره‌های راست و چپ مغز بسیار اهمیت پیدا کرده و لازمه این توانایی، خلاقیت و بهره‌گیری توأمان و ترکیبی از هوش هیجانی، هوش اجتماعی و هوش معنوی است.

به همین نسبت، نظام‌های آموزشی نیز پیچیدگی یافته و اهداف مورد انتظار از مدرسه نیز ترکیبی، پیچیده، چندگانه و چندلایه شده‌اند. طبعاً تمرکز و تکیه بر روش‌های سنتی، که احیاناً ظرفیت‌های لازم پاسخ‌گویی به این پیچیدگی‌ها را ندارند، باعث عقب‌ماندن دستگاه‌های آموزشی، مدرسه، کلاس درس و دانش‌آموزان از سرعت تحولات زمانه خواهد شد. بر این اساس، برای نظام‌های آموزشی، اندیشیدن و درانداختن طرحی نو، متناسب با اقتضائات زمانه حاضر، هم در رویکردها و هم در روش‌ها بسیار ضروری و حیاتی می‌نماید.



می‌کند، متأثر از فضای هیبریدی، به شکل‌های گوناگون و متنوع (حضور، غیرحضور، هم‌زمان و ناهم‌زمان) ارائه می‌شود و هر دانش‌آموز متناسب با علاقه و سبک یادگیری خود، با انواع شیوه‌های ارائه محتوا ارتباط برقرار می‌کند و بهتری‌آموزد.

پیش‌تر در یادداشتی در سال ۱۴۰۰ با عنوان «نکند بازگردیم» متذکر این مهم شده بودم که نکند ناکامی‌ها و احیاناً شکست‌های دوران کرونا و آموزش‌های

الکترونیکی و مجازی باعث شود در دوران پساکرونا دچار افراط در رویگردانی از قابلیت‌های مسلم و ظرفیت‌های بسیار قابل‌استفاده آموزش‌های تلفیقی و به‌طور مشخص مجازی شویم! اگر در آموزش و یادگیری تجربه‌های تلخ و ناکامی‌هایی شکل گرفته‌اند، بیشتر به‌خاطر آمادگی‌نداشتن ما برای ورود یکباره به آموزش الکترونیکی بوده و این شکست‌ها متوجه ذات روش‌های مجازی و غیرحضور و الکترونیکی نیست. اما امروز متأسفانه تا حد زیادی به همان انذار و نگرانی مبتلا شده‌ایم! چنان قابلیت‌ها و ظرفیت‌های روش‌های مجازی و الکترونیکی را به‌کناری نهاده‌ایم که گویا مقصر همه‌گیری کرونا هم این روش‌ها بوده‌اند! و اگر به‌استفاده و لو عقلانی و بجا و به‌اندازه از فناوری‌ها و ابزارهای آموزش مجازی ادامه بدهیم، همه‌گیری کرونا دوباره برمی‌گردد! ضمن اینکه حتی اگر ما در برابر استفاده بجا و مناسب و به‌صورت تلفیقی و ترکیبی از روش‌های مجازی و الکترونیکی مقاومت کنیم، آیا نسل جدید دانش‌آموزان هم به همین نسبت از فناوری‌ها و ابزارهای الکترونیکی فاصله می‌گیرند و آن‌ها را رها می‌کنند؟ آن‌ها بیرون از مدرسه و در خانه با به‌روزترین فناوری‌ها مشغول بازی، آموزش و ده‌ها فعالیت دیگر هستند. آن‌ها بومیان دیجیتال هستند و زندگی‌شان با فناوری درآمیخته است. اساساً جهان‌بینی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی آن‌ها همه از دریچه فناوری می‌گذرد! با این توصیفات، آیا منطقی و عقلایی است که نظام آموزش و پرورش، به دلیل تجربه قرین به شکست آموزشی و تربیتی دوران کرونا و آموزش‌های مجازی، یکسره رابطه خود را با فرصت‌ها و امکان‌های روش‌های مجازی و تلفیق‌شده با فناوری قطع کند؟ حتماً پاسخ منفی

است و این‌طور هم نیست که سیاست نظام آموزش و پرورش این باشد، اما در عمل تا حد زیادی این نقد و نگرانی رخ داده است!

در مطالب و شماره‌های متعدد این مجله تلاش شده است از جنبه نظری، از منظر کاربردی و عملیاتی و از جنبه‌های تجربه‌های زیسته و جهانی، نشان داده شود که اتخاذ رویکرد تلفیقی و استفاده از روش‌های هیبریدی در مدیریت مدرسه و کلاس‌های درس و جریان یاددهی-یادگیری چرا، چقدر و چگونه می‌تواند در فائق آمدن بر برخی مشکلات و تحقق بهتر مأموریت‌ها و آرمان‌های برآمده از سند تحول بنیادین، به نظام آموزش و پرورش ما کمک کند. امید است تلاش همکاران ما در مجله برای تدارک و آماده‌سازی این‌گونه مطالب موردقبول اهل نظر افتد و سیاست‌گذاران، کنشگران و عاملان تعلیم و تربیت کشور از آن استفاده کنند.